

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

معنایی نویافته برای واژه « دگرگون / دگرگونه » در ادب فارسی

فریده وجدانی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان

vejdatani@znu.ac.ir

چکیده

واژه «دگرگون/ دگرگونه» در لغت‌نامه‌های زبان فارسی معانی بسیاری دارد؛ اما وجه معنایی «متفاوت» آن، به سبب انعطاف مفهومی و قابلیت اطلاق بر مصادیق مختلف، بر دیگر وجوه معنایی این واژه سایه افکنده و موجب شده‌است تا عوام و خواص آن را با همان مفهوم غالبی «متفاوت» در نظر آورند. مقاله حاضر با جستجو در ابیات شاهنامه فردوسی، ویس و رامین، علی‌نامه، بهمن‌نامه و مطلع‌الانوار به شواهدی از این واژه دست‌یافته است که مفهوم آن تا کنون در زیر سیطره معنای رایج «متفاوت» از نظرها دورمانده و در هیچ‌یک از لغت‌نامه‌های زبان فارسی ضبط نشده‌است.

کلمات کلیدی: دگرگونه، دگرگون، چند معنایی واژه

مقدمه

زبان فارسی از دیرباز تا به امروز از جنبه‌های گوناگونی همچون نظام آوایی، صرف و نحو، واژگان و معنی واژگان تغییر کرده‌است [۱]. واژه «دگرگون/ دگرگونه» نیز مانند بسیاری از واژه‌های زبان فارسی، در سیر تاریخی خویش در یک معنا محدود نمانده و معانی متفاوتی یافته‌است.

در برهان قاطع واژه دگرگون در معانی: سرنگون، روی بازپس کردن، باژگونه و تغییر حال آمده است [۱۳].

فرهنگ معین برای یافتن معنی واژه دگرگون به واژه دیگرگون ارجاع داده و ذیل آن چنین آورده است: رنگ دیگر، جور دیگر، طور دیگر، نوع دیگر، سرنگون، واژگون، مغشوش، مضطرب و شوریده [۱۴].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

علی‌اکبر دهخدا در لغت‌نامه خویش برای واژه دگرگون، معانی: تغییر حال یافته، متغیر شده و تبدیل شده، متغیر، از حال بگشته، دگرسان و منقلب را ذکر کرده و ذیل واژه دگرگونه چنین آورده است: متفاوت، غیرمعمول، غیرمتعارف، غیر از آنچه بود، تازه و نو، از نوع دیگر، به نوع دیگر، مختلف، با وضع دیگر، از نوعی و وضعی و جنسی دیگر، به صورتی دیگر [۴].

فرهنگ بزرگ سخن واژه دگرگون را در معانی: دارای تفاوت با بقیه، دارای تفاوت با حالت و شکل قبلی، دارای حالت غیرعادی مانند پریشانی، نگرانی یا خشم، منقلب، آشفته و نامنظم آورده و ذیل واژه دگرگونه معانی: مخالف، ناسازگار و غیرمعمول را افزوده است [۲].

واژه « دگرگون/ دگرگونه » برای فارسی زبانان واژه‌ای چشم و گوش آشناست و پی‌بردن به مفهوم آن برای ایشان چندان دشوار نیست. جزء نخست واژه، مفهوم دیگر یا دگر بودن را القا می‌کند و جزء دوم آن (گون/ گونه) مفاهیمی نظیر: نوع، قسم، طرز، روش، شیوه، رنگ، شکل و هیأت را به ذهن خواننده یا شنونده متبادر می‌سازد؛ هنگامی که این دو جزء در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، همان مفهوم پرمصداق « متفاوت » روی می‌نماید که حتی به جای معانی به ظاهر متمایز این واژه نظیر: ۱- سرنگون ۲- روی بازپس کرده ۳- مغشوش ۴- شوریده، که در کتاب‌های لغت به عنوان معنی این واژه ضبط شده‌است، به کاربردن است؛ زیرا در حالت‌های سرنگونی، روی برگرداندن و یا آشفتنگی و شوریدگی، هر شخص یا هر چیزی، وضعی دگرسان با حال سابق خود دارد؛ از این رو واژه « متفاوت » انعطاف مفهومی لازم برای قرار گرفتن به جای هریک از آن معانی یادشده را داراست. همین ویژگی یکی از دلایل موضوع بحث قرار گرفتن این واژه در مقاله حاضر است. واژه « دگرگون/ دگرگونه » با آنکه در سیر تحول تاریخی خود مفاهیم بسیاری داشته است؛ اما گویی یک وجه معنایی آن بر دیگر معانی غلبه یافته و همواره در حافظه فارسی زبانان با وجه معنایی « متفاوت » حضور یافته‌است و معانی دیگر آن – که در لغت‌نامه‌ها آمده‌است – تحت الشعاع این معنای غالبی قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که شاید بیشتر فارسی زبانان این واژه را تک معنا فرض نمایند.

این سخن از سوی زبان‌شناسان نیز تأیید شده است. «آلن بر آن است که در مورد واژه‌های چند معنایی، ارتباط تاریخی و ریشه‌شناختی و نیز تعمیمات معنایی با گذشت زمان برای اهل زبان نامربوط می‌نماید و درون یک متن تنها یکی از معانی واژه چند معنایی مراد گرفته می‌شود» [۸].

در کنار غلبه معنایی واحد بر یک واژه، تاریخ زبان فارسی همواره با ظهور معانی تازه برای واژگان موجود مواجه بوده‌است. از جمله عوامل مؤثر در بسط معنایی واژگان زبان فارسی (ثابت نگه داشتن شکل و تغییر دادن معنا و مفهوم آنها) وجود شاعران و نویسندگان خلاق است که با همنشین کردن واژه با کلماتی است که معنی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند، سبب تغییر معنی آن می‌شوند. زبان‌شناسان بر این باورند که « معنی جمله از جمع واژه‌ها حاصل نمی‌شود، بلکه غالباً جمله، معنی واژه را تعیین می‌کند» [۱۵].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

علت دیگر و اصلی پرداختن مقاله حاضر به واژه « دگرگون / دگرگونه » معرفی معنای دیگری از این واژه است که روزگاری شاعر یا نویسنده‌ای قالب ظاهری آن را حفظ کرده و معنای نوی به آن بخشیده‌است؛ اما این معنا نیز همچون معنای دیگر این واژه چشم و گوش آشنا، زیر سایه معنای غالبی « متفاوت » نه تنها از نظر عموم اهل زبان بلکه حتی از نظر خواص نیز پنهان مانده است.

علت عمده مغفول ماندن این معنای جدید از واژه « دگرگون / دگرگونه » آن است که عموماً اهل زبان در مواجهه با کلمه‌ای که معنایش شناخته شده نیست، به فرهنگ لغت مراجعه می‌کنند و پس از بررسی معنای مختلف واژه، مفهومی را که تناسب بیشتری با متن دارد برمی‌گزینند؛ اما اگر واژه مورد نظر در شمار کلمات چشم و گوش آشنایی باشد که در متون مختلف معمولاً با یک وجه معنایی خود حاضر می‌شود و در نظر داشتن همان معنای غالبی، نه ابهامی در دریافت معنی ایجاد کند و نه در جریان سخن خللی پدید آورد، این احتمال وجود دارد که معنای دیگر واژه زیر سایه معنای غالبی آن پنهان بماند.

انعطاف مفهومی و مصداقی واژه « دگرگون / دگرگونه » چنان است که برای بیان هرچیزی که با چیز دیگری از هر لحاظ و به هر میزان (در مقیاس عددی از ۱ تا ۹۹ درصد) تفاوت داشته‌باشد، می‌توان واژه یادشده را به کار گرفت. مداومت در به کارگیری این واژه در مفهوم کلی «متفاوت»، هم مانع از کشف معنای خاص آن در متونی شده‌است که دیگر با مفهوم کلی «متفاوت» قابل تعبیر نیست و باید معنای خاص و محدودتری به آن داد، و هم مانع توجه فرهنگ نویسندگان به ظرفیت و توان مفهومی این واژه شده و از جامعیت و غنای فرهنگ‌های عمومی و اختصاصی زبان فارسی کاسته‌است

لغت‌نامه‌نویسان زبان فارسی با تحمل رنج بسیار معنای گوناگون واژگان را از لابه‌لای متون نظم و نثر فارسی بیرون آورده و در مجموعه‌های خویش ثبت کرده‌اند. هدف ایشان بیان معنای گوناگونی بوده که یک واژه گنجایش پذیرش آن را دارد. از آنجایی که لغت‌نامه‌های یک سرزمین در درون فرهنگی واحد شکل می‌گیرند و محدوده آثار مورد بررسی آنان کمابیش مشترک است، مشاهده معنای نظیر یکدیگر در این لغت‌نامه‌ها چندان دور از انتظار نیست. از دیگر سو گاه وسعت دامنه کار لغت‌نامه‌نویسی و نیز پهنه وسیع متون مورد بررسی، دقت کافی را از تهیه‌کنندگان لغت‌نامه‌ها می‌گیرد و سبب مغفول ماندن معنای بعضی واژه‌ها می‌شود.

یکی از وظایف مهم تحقیقات متن‌شناسانه گسترش دامنه لغات و ترکیبات زبان فارسی از طریق کشف و معرفی مفاهیم نو و کمک به حفظ و بقای آن‌هاست. مفاهیمی که در سابقه تاریخی و فرهنگی زبان فارسی موجود بوده‌اند و معرفی‌شان سبب غنای هرچه بیشتر این زبان می‌شود.

شواهد چنین تحقیقاتی آسان به دست نمی‌آید؛ پس از استقصای بلیغ در متون مختلف، به تدقیق، تفکر، و مقایسه متون ادبی با یکدیگر، و نیز توجه به چگونگی ارتباط میان واحدهای زبانی و کشف تأثیر معنایی‌ای که همنشینی با کلمات بر یک واژه می‌گذارد، نیاز است. کاری که برای تهیه این مقاله انجام شده و پس از طی مراحل یادشده با عنایت به زمینه متن و درونمایه داستان‌ها و در نظر داشتن مفهوم ابیات پیش و پس، و بدون تقید به معنای شناخته شده واژه، بازشناسی معنای تازه‌ای از واژه « دگرگون / دگرگونه» مورد توجه قرار گرفته‌است.

متن اصلی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

همواره شنیده‌ایم که زبان فارسی مدیون فردوسی است و از فردوسی به عنوان احیاگر زبان فارسی یاد شده است. مقاله حاضر محل بحث از فردوسی و پرداختن به خدمات ارزنده این شاعر یگانه نیست؛ اما یافتن نخستین و بیشترین شواهد از شعر او برای موضوع بحث مقاله حاضر، بهانه‌ای شد تا بار دیگر نقش کوشش‌های وی در بالندگی و غنای زبان فارسی را یادآور شویم. بر ما معلوم نیست که آیا فردوسی برای نخستین بار واژه « دگرگون / دگرگونه » را در معنای نوی که یافته پژوهش حاضر است به کار برده و یا این وجه معنایی در روزگار وی رواج داشته‌است؛ اما هرچه هست ضبط این وجه معنایی از واژه « دگرگونه / دگرگون » خدمت بزرگی به حفظ و بقای آن کرده‌است. چه بسا اگر این وجه از وجوه معنایی واژه یاد شده در ابیات شاهنامه ضبط نمی‌شد، برای همیشه از صفحات متون ادبی رخت برمی‌بست و شاعران پس از او هم دیگر برای درج آن در منظومه‌های خویش مجالی نمی‌یافتند.

– در داستان کاموس کشانی، سپاه ایران و توران برای جنگی به انبوه، در مقابل یکدیگر صف آرایی می‌کنند. هومان که احتمال می‌دهد سپاه توران در برابر ایرانیان شکست بخورد، هیونی نزد پیران ویسه که به دنبال هومان در حال نزدیک شدن به میدان نبرد است، گسیل می‌دارد. هومان در پیغام خویش، ابتدا با آوردن واژه « دگرگونه » اذعان می‌کند که ما درباره نتیجه جنگ « طور دیگری » اندیشیده بودیم و آن، پیروزی بر لشکر ایران بود.

هیونی به پیران فرستاد زود
که اندیشه ما دگرگونه بود

شاهنامه، ج ۱، ص ۵۰۶، [۹]

و سپس ادامه می‌دهد که تصمیم ما از اساس « اشتباه » بود و نادرستی تصمیمشان را با واژه « دگرگونه » بیان می‌کند.

دگرگونه بود آنچه انداختیم
بریشان همی تاختن تاختیم

همان، [۹]

– در داستان دوازده رخ، کیخسرو از مشاهده پیکر بی‌جان پیران ویسه بسیار اندوهگین می‌شود و سخنانی بر زبان جاری می‌سازد. از جمله این که می‌گوید:

چنان مهربان بود دژخیم شد
و زو شهر ایران پر از بیم شد
مر او را ببرد اهرمن دل ز جای
دگرگونه پیش اندر آورد پای

همان، ص ۷۳۶-۷۳۷، [۹]

در بیت دوم «از جای بردن دل کنایه‌ای است ایما از فریفتن و پای پیش آوردن از به کار آغازیدن و دست یازیدن» [۱۱]. باور کیخسرو این است که پیران، فریب اهریمن را خورده و به کارهای اشتباهی اقدام نموده است. چنانکه ملاحظه می‌شود نادرستی اقدامات پیران با واژه « دگرگونه » بیان شده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

– هرمزد نوشین روان از بهرام چوبینه به سبب اشتباهاتی که از وی سرزده رنجیده‌خاطر است. « یکی از آن روی که بهرام، خاقان چینی را بی‌باک و ناپروا آزرده بود؛ دیگر، چون او بی‌آنکه بدو فرمان و دستوری داده شده‌باشد، پاره‌ای از یافته‌ها و خواسته‌ها را برداشته‌بود» [۱۰]. از این رو نامه‌ای همراه هدایایی ناروا برای بهرام می‌فرستد و نافرمانی و اشتباهاتش را به او گوشزد می‌کند. فردوسی از قول هرمزد، نادرستی و « اشتباه‌بودن » کارهای بهرام را با واژه « دگرگونه » بیان می‌کند.

ز فرمان من سر بیچیده‌ای

دگرگونه کاری بسیچیده‌ای

شاهنامه، ج ۲، ص ۱۶۵۲، [۹]

– خسرو پرویز خبر پیروزی خود بر بهرام چوبین را در نامه‌ای برای قیصر گزارش می‌کند. قیصر همراه پاسخ، هدایای بسیاری برای خسرو پرویز می‌فرستد که در میان آن‌ها جامه گوه‌رنگاری است که طرح صلیب بر آن نگاشته شده‌است. خسرو پرویز با دیدن جامه در پوشیدنش مردد می‌شود. از طرفی نگران است که اگر ایرانیان جامه را برتن او ببینند، بپندارند که خسرو به سبب دریافت مال و خواسته، از آیین زرتشت روی گردانیده‌است. از دیگر سو نگران آن است که اگر جامه را بر تن نکند، قیصر از این عمل او برنجد و برداشت اشتباهی داشته‌باشد. فردوسی از زبان خسرو پرویز پندار و برداشت نادرست قیصر را با واژه « دگرگونه » عبارت کرده‌است.

چو بر جامه ما چلیپا بود

نشست اندر آیین ترسا بود

و گر خود نیوشم بیازارد اوی

همانا دگرگونه پندارد او

همان، ص ۱۷۴۷، [۹]

از آنجایی که بیشتر شواهد موضوع بحث از شاهنامه فردوسی است، اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که در « فرهنگ شاهنامه » نیز همچون دیگر لغت‌نامه‌ها، به معنای طرح‌شده در مقاله حاضر هیچ اشاره‌ای نشده و برای واژه « دگرگون/ دگرگونه »، تنها معانی: متفاوت، ناشناس‌گونه، تند و خشمگین، متفاوت و غیرعادی درج شده‌است [۷].

– در داستان ویس و رامین، جنگ سختی میان سپاه موبد منیکان و ویرو درمی‌گیرد و پدر ویسه کشته می‌شود. تحمل مرگ او برای ویرو بسیار دشوار است؛ از این رو تا گسترش تاریکی، دلیرانه با سپاه موبد می‌جنگد؛ اما با فرارسیدن شب خواه‌ناخواه جنگ خاتمه می‌یابد. در این میان موبد منیکان از تاریکی شب استفاده کرده و خود را به گوراب می‌رساند تا به ویس دست‌یابد؛ اما ویرو بی‌خبر از قصد موبد، حرکت شبانه او را فرار گمان می‌کند. فخرالدین اسعد گرگانی نیز مانند فردوسی « اشتباه‌بودن » فکر ویرو را با واژه « دگرگون » بیان می‌کند و جالب این‌جاست که این واژه را – همچون شاهد نخست از شاهنامه – در یک بیت هم در معنی « اشتباه » و هم در معنی « طور دیگر » به کار می‌گیرد.

گمان بودش که شاهنشاه بگریخت

به دام ننگ و رسوایی درآویخت

دگر لشکر به کوهستان نیارد

دگر آزار او جستن نیارد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دگرگون بود و پرو را گمانی

دگرگون بود حکم آسمانی

ویس و رامین، ص ۵۰، [۱۲]

– در مجلس یازدهم از حرب صفین در منظومه علی‌نامه، سعد وقاص ابتدا تصمیم می‌گیرد تا با پرتاب تیر حسین بن علی (ع) را هدف قرار دهد. در این حین امام حسین پیشگویی پیامبر در ایام کودکی خود را درباره این روز بر سعد یادآور می‌شود. سعد با شنیدن سخنان ایشان پیشیمان شده و از امام حسین طلب عفو می‌کند و امام حسین عفو خود را به عفو امام علی (ع) منوط می‌سازد. امام علی ابتدا سعد را به سبب پیوستن به سپاه معاویه سرزنش می‌کند؛ اما عاقبت عذر وی را می‌پذیرد و او را می‌بخشد.

هنگامی که این ماجرا را برای معاویه نقل می‌کنند، او از اینکه باردیگر تدبیرش اشتباه از آب درآمده شکوه سر می‌دهد و نادرستی تدبیر خویش را با واژه «دگرگونه» بیان می‌دارد.

که شد رایت بخت ما سرنگون

همی گفت پس پور سفیان دون

که شد از قضا چون کمان تیر ما

دگرگونه شد باز تدبیر ما

علی‌نامه، ص ۴۶۹، [۶]

– در منظومه بهمن‌نامه، خاقان چین قصد دارد که رستم‌تور را نزد شاه بهمن بیاورد تا گناه او را ببخشد؛ اما نخست با خبر مرگ رستم‌تور نزد بهمن آمده، می‌گوید:

مرا آگهی آمد اکنون ز راه

که کم گشت تور از میان سپاه

بهمن‌نامه، ص ۵۷۸، [۶]

وزیر بهمن که در مجلس حضور دارد به سخن خاقان می‌خندد و خطاب به شاه می‌گوید که تور زنده‌است و آسیبی ندیده و احتمالاً خاقان اشتباه شنیده است. وزیر بهمن مفهوم «اشتباه شنیدن» خاقان را با واژه «دگرگونه» اظهار می‌کند.

به رامش نشسته به شهر اندرست

بدو گفت کای شاه تور اندرست

مگر گوش خاقان دگرگون شنید

نه کم گشت و نه نیز شد ناپدید

همان، [۶]

شواهد به‌کارگیری واژه «دگرگون/دگرگونه» در مفهوم «خطا و اشتباه»، افزون بر حماسه ملی ایران، منظومه ویس و رامین، حماسه شیعی علی‌نامه و منظومه پهلوانی بهمن‌نامه در متون عرفانی نیز پی‌گرفته‌اند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- امیر خسرو دهلوی در مطلع الانوار انسان را به نگرستن با چشم دل فرامی‌خواند و چشم ظاهری را خطاکار می‌داند. وی اذعان می‌کند که گاه چشم آدمی در کمال سلامت امور را اشتباه می‌بیند و اشتباه درمی‌یابد. مثلاً مور را ملخ و یا ملخ را مور می‌بیند؛ یا درحالی که خود در کشتی نشسته و در حال حرکت است، خویشتن را ساکن و ساحل را روان می‌بیند، و سپس نتیجه می‌گیرد که وقتی چشم، در کمال سلامت اشتباه می‌کند، بیندیش که چشم گزنگر چه خطاها که نخواهد کرد. امیر خسرو نیز مانند شاعران پیشین « اشتباه دیدن» دیده‌ سالم را با واژه « دگرگون» بیان می‌دارد.

از نظر دل به جهان کن نظر	زان که غلط‌کار بود چشم سر
دور ز چشمی که ز نزدیک و دور	مور ملخ دیده، ملخ دیده مور
بینش عکس است که بینی روان	کشتی بر جای و کناره دوان
چون نظر راست دگرگون بود	آن که همه کژ نگرد چون بود

مطلع الانوار، ص ۸۶، [۵]

نتیجه‌گیری

درک مفهوم اجزاء سازنده واژه « دگرگون / دگرگونه» برای فارسی‌زبانان چندان دشوار نیست. آنچه با شنیدن یا دیدن این واژه به ذهن متبادر می‌شود، آن است که صحبت از کسی، چیزی، موقعیتی و... است که با وضع و حال قبلی خود تفاوت کرده‌است. این میزان از آگاهی که در مفهوم «متفاوت» نهفته است، سبب می‌شود مخاطب به سادگی موضوع را دریابد.

از دیگر سو، به نظر می‌رسد هم‌زمانی مواجهه با واژه «دگرگون/دگرگونه» و به خاطر آمدن مفهوم «متفاوت»، با انعطاف معنایی و گستره‌ مصداقی‌ای که دارد، هر تفاوتی، از هر حیث و با هر شدتی را پوشش داده؛ از این رو عوام و خواص هنگام رویارویی با واژه « دگرگون / دگرگونه» نیاز چندانی به مراجعه به لغت‌نامه‌ها احساس نکرده و کم‌کم معانی دیگر این واژه زیر غلبه معنای « متفاوت» پنهان مانده است.

مقاله حاضر با استناد به متون مختلف از ادبیات فارسی شواهدی ارائه کرده‌است که نشان می‌دهد واژه « دگرگون / دگرگونه» در سیر تحول معنایی خود در مفهوم «خطا و اشتباه» به‌کار می‌رفته است. معنایی که حتی از نظر لغت‌نامه‌نویسان دورمانده و در هیچ‌یک از فرهنگ‌های عمومی و اختصاصی زبان فارسی بدان اشاره‌ای نشده‌است.

مفهوم برآمده از واژه « دگرگون / دگرگونه» در شواهد ارائه شده در مقاله حاضر به گونه‌ای است که دیگر مفهوم وسیع و منعطف « متفاوت» به هیچ روی نمی‌تواند آن را پوشش دهد؛ زیرا دیگر کار از بیان تفاوت گذشته و به اختلاف و تباین صددرصدی رسیده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

پرداختن به این قبیل پژوهش‌های متن‌شناسانه فواید بسیار دارد؛ زیرا اگر واژه‌هایی از این دست با تعمق در متون ادب فارسی معرفی نشوند و ظرفیت‌های معنایی‌شان ناشناخته بماند، هم فرصت ثبت آن‌ها در لغت‌نامه‌های فارسی از دست می‌رود و هم جامعیت این فرهنگ‌ها خلل می‌پذیرد؛ از این رو می‌توان ادعا نمود که کار نگارش لغت‌نامه‌های زبان فارسی هیچگاه به پایان نخواهد رسید و تحقیقات متن‌شناسانه همواره کمک بزرگی به تکمیل آن‌ها خواهد نمود.

مقاله حاضر بر آن است که اگر متون نظم و نثر فارسی به منظور یافتن شواهدی دیگر بررسی شود، به یقین نمونه‌های مشابهی در این گستره پهن‌تر به دست خواهد آمد.

مراجع

۱. ابوالقاسمی، محسن؛ ریشه‌شناسی، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۴.
۲. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲.
۳. ایرانشاه (ایرانشاه‌بن‌ابی‌الخیر)؛ بهمن‌نامه، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۹۰.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۷۷.
۵. دهلوی، امیرخسرو؛ مطلع‌الانوار، انتشارات موسسه پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۷.
۶. ربیع؛ علی‌نامه، انتشارات موسسه پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۸.
۷. رواقی، علی؛ فرهنگ شاهنامه، انتشارات مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری، تهران، ۱۳۹۰.
۸. صفوی، کوروش، نگاهی تازه به مسئله چند معنایی واژگانی، نامه فرهنگستان، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، صص ۵۰-۶۷.
۹. فردوسی؛ شاهنامه فردوسی، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۲.
۱۰. کزازی، میر جلال‌الدین؛ نامه باستان، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. _____؛ نامه باستان، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۱۲. گرگانی، فخرالدین اسعد؛ ویس و رامین، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۶۹.
۱۳. محمدحسین بن خلف تبریزی؛ برهان قاطع، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۱۴. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۵. وزیرنیا، سیما؛ زبان شناخت، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۹.